

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر گرامی یاد "کبیر توخی"
ویراستاری و ارسال: احمد پوپل
۲۸ اگست ۲۰۲۲

یادداشت

پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" به منظور گرامیداشت از چهارمین سالروز مرگ از رفیق، هم‌رزم و همکار زجرکشیده، نستوه و گرانقدر ما "کبیر توخی"، اشعار این هفته را به باز نشر اشعار ایشان اختصاص داده است:

فتح مُحال*

کابل؛

ای شهر آتش و خون!

ای مخروبه ای محزون!

که هر ترکِ دیوارِ "آسه مائی"؛

و هر جدارِ "شیر دروازه"؛

بسانِ "شاخ برنتی"؛ (۱)

دیده بانِ نبردِ های تست.

چرا خفته ای در خون؟

برخیز و با ددان بستیز!

هزار خامه بسود

و هزار ورق فرسود

در پیچ و تابِ هر رزمِ پر فسانه تو

در تب و تابِ هر بزمِ پُر چکامه تو

گر سخنِ سرایِ کهنِ سال (۲)

در هزارمین پارینه سال

بسود حماسه های بی مثال تو:

نبردِ رستم داستان

با ددان و تهمتتان

جدالِ آرشِ کمانگیران

با سپاهِ تورانیان

پیکارِ کاوه آهنگران

با ضحاک ماران

لیک؛

انگشتِ بشکسته کودکان " کابورا " ی تو (۳)

- در فرجامین عصرِ عروج " غولان ... " -

کشیده بر مدار جهان

تصویرِ آشوبِ بی شمارِ تو

تندیسِ قامتِ استوارِ تو

تمثالِ پیکرِ خونبارِ تو

نمادِ دیوارِ (۴) پایدارِ تو

در استمرارِ ایام

که پلنگِ لحظه ها

جرعه جرعه، نوشید عمرِ زمان

با چه ریوه، با چه شیوه!

با چه خدعه، با چه حيله!

که در فتح تو کرد

اسکندر و منصور....؛

چنگیز و تیمور....؛

" انگریزان " وحشی و " خراسانِ قطبی ".

در امتدادِ ایام

که شرنگِ لحظه ها

قطره قطره ، لغزید در ظرفِ مکان

با چه ریا، با چه جفا

با چه تزویر، با چه تکبیر!

که در فتح تو کرد

" جرنیلان " ناپاک، بیمایه و بد بوی

" شیخان " اشتر سوارِ بادیه خوی

" دجالان " سیه اندیش و سیه روی

که سر نهاده اند بر آستانِ " نظم نوین "

از برای آن که،

به امارت رسانند مُزدورِ بیگانِ شان را

در این ایام، (۵)

که خدنگ لحظه ها،

– با انگشت و مشت –

می کوبد بر طبلِ زمان

فریادی می رسد به گوش:

آی، عبرت ناگرفتگانِ زبون!

– که بر پا کرده اید آتش و خون –

ار سر بدر کنید،

فتح این سرزمین را

که «خیال است و مُحال است و جنون».

*- "فتح مُحال"، درحوت ۱۳۷۲ فریاد شده؛ ودر شماره ۳۷ «پیام زن» اسد ۱۳۷۳- جون ۱۹۹۴ و در سایتهای "پیام آزادی" (www.payameazadi.org)؛ "دعوت" و "افغان-جرمن آنلاین" نیز برقرار می باشد.

۱- کوهیست در جنوب شرق کابل که "منار چکری" در بلندی آن قرار داشته و بلندترین قله آن به نام شاخ "برنتی" یا (برمتی) نامیده می شود. کهنسالان کابل حدود ۶۰ سال قبل از زبان اسلاف شان در مورد "برنتی" و "مرنجان" چنین نقل قول می کردند: "در گذشته های بسیار دور، در قدیم الایام، دو دیو نگهدارنده شهر کابل بودند. یکی "مرنجان دیو" نام داشت، دیگرش "برنتی دیو" بود. اولی به تپه بزرگی مبدل شد (تپه مرنجان) دیو دومی یعنی "برنتی" که هیکلش بسیار بزرگ تر از "مرنجان" بود به کوه تبدیل گردید [در این اسطوره شفاهی علت مبدل شدن دو دیو به کوه و تپه میهم مانده امید کاوشگران اساطیر کشور در زمینه باز کردن باز هم بیشتر این اسطوره توجه نمایند].

۲- (سخن سرای کهن سال) حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر حماسه سرای بزرگ (سرآینده شهنامه).

۳- " کابورا" یکی از نامهای قدیم کابل می باشد.

۴- (نماذ دیوارِ پایدار تو) اشاره ایست به دیوار های بر فراز کوه آسه مائی و شیر دروازه.

۵- پیکره اخیر، در نخستین روز تجاوزِ امپریالیزم امریکا به افغانستان؛ در سروده اضافه شد.